

تحلیل رابطه کسری بودجه دولت و حساب جاری در ایران*

نویسنده: هوشنگ مؤمنی وصالیان

چکیده

به دنبال افزایش قیمت نفت در اواخر سال ۱۹۷۳ و اوایل سال ۱۹۷۴، پیش‌بینی می‌شد که کشورهای صادرکننده نفت تا پایان سال ۱۹۸۰ انباشت ذخایر بین‌المللی انبوهی داشته باشند، ولی برخلاف انتظار، نه تنها چنین نشد، بلکه مازاد تراز پرداخت‌های آنها به تدریج کاهش یافت و حتی رو به کسری رفت. دو عامل اصلی را می‌توان در این خصوص مؤثر دانست: یکی افزایش بی‌رویه مخارج و دیگری ظرفیت جذب بسیار پایین اقتصاد داخلی. بدین روی، بررسی و پژوهش در زمینه کسری‌های مالی دولت و کسری تراز پرداخت‌ها، ما را در یافتن علل کسری‌های ممتد تراز پرداخت‌ها یاری می‌نماید. به دلیل برون‌زا بودن حرکت سرمایه در ایران، تحلیل این مقاله، متوجه حساب جاری بوده است. در این مقاله فرضیه‌ای مبنی بر اینکه بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد مطرح شده است. فرضیه مذکور در قالب یک سیستم معادلات همزمان و با سری‌های زمانی سالهای ۱۳۷۳-۱۳۴۲ برای اقتصاد ایران مورد آزمون قرار گرفته و در انتها نیز فرضیه مذکور مورد تأیید واقع شده است.

* این نوشته، خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در دانشگاه امام صادق (ع) با راهنمایی دکتر محمدرضا شاهرودی در سال ۱۳۷۵ می‌باشد.

● دانشجوی دکترای رشته اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

در دنیایی که پایداری اقتصاد هر کشوری در گرو تجارت بین‌المللی و رابطه تجاری با دیگر کشورهاست، بی‌تردید، رشد اقتصادی هر کشور، علاوه بر عوامل داخلی، به عوامل خارجی و تغییراتی که در سطح بین‌المللی رخ می‌دهد نیز بستگی دارد. توجه به این نکته، نویسنده را بر آن داشت تا به بررسی رابطه دو بخش داخلی و خارجی اقتصاد بپردازد. در این زمینه، نویسنده به یکی از حادثترین مشکلات اقتصاد ایران توجه نموده است. عدم توازن در بودجه دولت‌های حاکم در ایران و چگونگی تأمین مالی کسری‌های بودجه، همواره از مباحث مهم در اقتصاد ایران بوده است. براساس نظریه‌های اقتصادی، دو بخش داخلی و خارجی اقتصاد با هم ارتباط دارند. برای بررسی این ارتباط، فرضیه‌ای مبنی بر اینکه "بین کسری بودجه دولت و کسری حساب جاری، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد"، مطرح و آزمون شده است. در این مقاله، بررسی می‌شود که آیا کسری بودجه دولت بر حساب جاری تأثیر می‌گذارد و رابطه‌ای بین آنها وجود دارد یا نه. اگر رابطه‌ای وجود دارد آیا مثبت است، یعنی آیا ازدیاد کسری بودجه منجر به بدتر شدن حساب جاری خواهد شد، یا منفی است، یعنی ازدیاد کسری بودجه دولت، حساب جاری را بهبود خواهد بخشید. بدین منظور، ابتدا با مروری اجمالی بر نظریه‌های مربوطه، موضوع را تبیین کرده و سپس فرضیه مذکور در قالب یک سیستم معادلات همزمان برای اقتصاد ایران آزمون خواهد شد. قلمرو پژوهش، از نظر مکانی به اقتصاد ایران و از نظر زمانی به سالهای ۱۳۴۲-۱۳۷۳ محدود می‌شود. تمام آمار موردنیاز از اطلاعات آماری سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی اخذ شده است.

۱. بحث نظری

۱-۱. رابطه کسری بودجه دولت و پایه پولی

در مدلی که در این مقاله معرفی می‌شود، بر این نکته تأکید می‌گردد که تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی حجم پول را افزایش می‌دهد. بدین روی، ضروری

است که به رابطه کسری بودجه دولت و پایه پولی، و در نتیجه حجم پول، به اجمال اشاره کنیم. آورباخ (۱۹۸۹) متغیرهای زیر را در تغییر پایه پولی مؤثر دانسته است:

$$\Delta RM = \Delta Def + \Delta Bond + \Delta Floa + \Delta G + \Delta Dis + \Delta Us$$

ΔRM ، تغییر در پایه پولی است که ناشی از تغییر هر یک از اجزای آن می‌باشد. Def ، کسری بودجه دولت را نشان می‌دهد. اگر تمام اجزای پایه پولی ثابت باشند، کسری بودجه دولت پایه پولی را افزایش داده و مازاد بودجه دولت پایه پولی را کاهش می‌دهد. $\Delta Bond$ ، تغییر در ارزش اوراق قرضه‌ای است که توسط بانک مرکزی یا دولت برای هدف‌های مختلف خرید و فروش می‌گردد. با ثابت بودن اجزای دیگر، خرید اوراق قرضه موجب افزایش پایه پولی و فروش آن موجب کاهش پایه پولی خواهد شد. $\Delta Floa$ ، تغییر در متغیری است که اصطلاحاً به آن "اقلام در راه" گفته می‌شود. متغیر اقلام در راه کلی^۱، شامل دو جزء است:

$$Total\ Float = Mail\ Float + Bank\ Float$$

الف) $Mail\ Float$: هنگامی که چکی توسط فردی برای دیگری فرستاده می‌شود، به پول دستوری افزوده شده، در حالی که تا هنگام نقد نشدن چک از حساب سپرده او کسر نخواهد شد. بنابراین، در این مدت، پایه پولی افزایش خواهد یافت.

ب) $Bank\ Float$: هنگامی که بانکی با سپرده‌هایی از بانک دیگر تعیین اعتبار می‌شود، بلافاصله سپرده‌های بانک مبدأ کاهش نمی‌یابد، و بنابراین، پایه پولی افزایش خواهد یافت. ΔUs ، تغییر سپرده‌های دولت در مؤسسه‌های سپرده‌پذیر خصوصی را نمایش می‌دهد. خزانه‌داری می‌تواند مانده‌های پولی خود را از سپرده‌هایش در بانکهای تجاری بیرون کشیده و آنها را به سپرده‌اش در بانک مرکزی انتقال دهد. در این صورت، پایه پولی کاهش خواهد یافت، زیرا مانده‌های پولی که بانکها می‌توانند وام دهند، کاهش یافته است.

ΔG ، تغییر در ارزش موجودی طلای نگهداری شده توسط بانک مرکزی است و هر چه ارزش طلای نگهداری شده افزایش یابد، پایه پولی نیز افزایش خواهد یافت.

ΔDis ، تغییر در میزان اعتباراتی است که بانک مرکزی به مؤسسه‌های سپرده‌پذیر می‌دهد. هر چه میزان اعتباراتی که بانک مرکزی به مؤسسه‌های سپرده‌پذیر می‌دهد افزایش یابد، پایه پولی نیز افزایش خواهد یافت.

همان گونه که می‌بینید، کسری بودجه دولت، اگر از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شود، پایه پولی را تغییر می‌دهد. دولت می‌تواند کسری بودجه‌اش را از راه‌های مختلفی تأمین مالی کند. در اینجا، برای تبیین موضوع، دو روش آن، یعنی تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و تأمین آن از طریق فروش اوراق قرضه دولتی بررسی شده است.

اگر دولت، کسری بودجه‌اش را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی نماید، مستقیماً پایه پولی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در صورتی که سایر اجزای پایه پولی ثابت باشند، پایه پولی افزایش خواهد یافت.

در صورتی که دولت تمام کسری بودجه‌اش را از طریق فروش اوراق قرضه به مردم تأمین مالی نماید، تغییری در پایه پولی ایجاد نخواهد شد. زیرا در این حالت، دو متغیر کسری بودجه و تغییر در ارزش اوراق قرضه با دو علامت مخالف در اتحاد پایه پولی ظاهر می‌گردند. به عبارت دیگر، $\Delta Bond = -\Delta Def$ که $\Delta Bond$ فروش اوراق قرضه دولتی به مردم است. کسری بودجه تأثیر مثبت بر پایه پولی دارد، ولی فروش اوراق قرضه اثر منفی روی آن می‌گذارد. در این حالت چون تمام کسری بودجه از طریق فروش اوراق قرضه تأمین مالی شده است، دو متغیر، اثر یکدیگر را خنثی نموده و پایه پولی ثابت خواهد ماند. بنابراین، می‌توان گفت که فقط هنگامی که کسری بودجه توسط استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی گردد، پایه پولی، و در نتیجه، عرضه پول افزایش خواهد یافت. به عبارتی می‌توان نوشت:

$$\frac{dM}{dt} = DM = p(g - t)$$

که DM، نرخ زمانی تغییر در حجم پول، g مخارج واقعی دولت و t درآمدهای واقعی دولت را نشان می‌دهد. بنابراین، با افزایش کسری بودجه دولت حجم پول نیز در طول زمان افزایش خواهد یافت.

۱-۲. رابطه کسری بودجه دولت و تراز پرداخت‌ها

با فرض نرخهای ثابت ارز، کسری بودجه دولت هنگامی که از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی گردد، پایه پولی افزایش می‌یابد و از طریق ضریب تکاثر پولی، حجم کل پول تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در تحلیل زیر، فرض می‌شود که در آغاز، بخش خارجی اقتصاد در تعادل بوده، ولی بخش داخلی با کسری بودجه مواجه باشد. در نمودار ۱، منحنی‌های Bp تعادل در تراز پرداخت‌ها، منحنی‌های IS، تعادل در بازار محصول و منحنی‌های LM، تعادل در بازار پول را نشان می‌دهند.



نمودار ۱. کسری بودجه دولت و نرخهای ثابت ارز

فرض می‌شود در سطح درآمدی Y_0 تراز پرداخت‌ها یا بخش خارجی اقتصاد در تعادل و بخش داخلی اقتصاد با کسری بودجه مواجه بوده و دولت به منظور تأمین مالی کسری بودجه‌اش، از بانک مرکزی استقراض نماید. در این صورت، پایه پولی، و در نتیجه، حجم کل پول افزایش یافته و منحنی LM_0 را به راست و به وضعیت LM_1 منتقل می‌نماید. افزایش حجم پول در گردش موجب می‌گردد تا مردم پول اضافی به دست آمده خود را خرج کنند و کالاهای بیشتری تقاضا نمایند. با افزایش تقاضا و ثابت بودن عرضه، مازاد تقاضا ایجاد می‌شود و سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

افزایش قیمت‌ها نخست، حجم پول واقعی (M/P) را کاهش داده و منحنی LM_1 را به وضعیت LM_2 منتقل می‌نماید. سپس ثروت حقیقی، یعنی (A/P) را کاهش و سطح پس‌انداز را افزایش می‌دهد. افزایش قیمت‌ها همچنین صادرات را کاهش و واردات را افزایش خواهد داد. کاهش خالص صادرات و افزایش سطح پس‌انداز، منحنی IS_0 را به وضعیت IS_2 منتقل می‌نماید. کاهش خالص صادرات، همچنین موجب انتقال منحنی BP_0 به چپ و به وضعیت BP_1 می‌گردد، زیرا در هر سطح ثابت درآمد برای جبران کاهش خالص صادرات باید خالص خروج سرمایه نیز کاهش یابد و برای کاهش خالص خروج سرمایه باید نرخ بهره افزایش یابد. در سطح درآمدی Y^* ، کسری بودجه وجود نخواهد داشت.

در تعادل داخلی جدید که از تقاطع منحنی‌های IS_2 و LM_2 حاصل شده است، کسری تراز پرداخت‌ها وجود دارد، زیرا نقطه تعادلی اخیر، زیر منحنی BP قرار گرفته است. در این حالت، کسری بودجه دولت از بین رفته ولی بخش خارجی اقتصاد با کسری مواجه شده است. افزایش قیمت‌ها در بازار کار نیز تأثیر گذاشته و سطح اشتغال و دستمزدهای اسمی را افزایش می‌دهد. براساس تحلیل فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که تأمین مالی کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی، منجر به کسری تراز پرداخت‌ها شده و سطح قیمت‌ها، اشتغال، دستمزدهای اسمی و درآمد ملی را افزایش می‌دهد. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که تحت نظام نرخ‌های ثابت ارز، کسری بودجه دولت اگر از طریق استقراض از بانک مرکزی

تأمین مالی شود، اثر معنی‌دار بر تراز پرداخت‌ها می‌گذارد و موجب کسری تراز پرداخت‌ها می‌شود.

با فرض شناور بودن نرخ ارز، بازار ارز نیز در تحلیل وارد شده و تعدیل نرخ ارز عدم تعادل در بخش خارجی اقتصاد را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، کاهش صادرات و افزایش واردات به دلیل افزایش سطح قیمتها، به ترتیب، عرضه پول خارجی را کاهش و تقاضای پول خارجی را افزایش خواهد داد. از طرفی، به دلیل پایین آمدن نرخ بهره و افزایش خالص جریان خروج سرمایه، تقاضای پول خارجی افزایش بیشتری خواهد یافت. افزایش تقاضای پول خارجی و کاهش عرضه آن موجب افزایش نرخ ارز گشته و منحنی BP1 را به راست منتقل می‌نماید تا دو منحنی IS2 و LM2 را در سطح درآمدی Y^* قطع نماید.

بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نظام نرخ ارز شناور، اگر کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شود، ابتدا در ترازپرداخت‌ها کسری ایجاد می‌شود، لیکن براساس سازوکار فوق، با افزایش نرخ ارز، این کسری از بین رفته، و در نهایت، هر دو بخش داخلی و خارجی اقتصاد به تعادل خواهند رسید. در این حالت، سطح قیمتها، اشتغال، درآمد ملی و دستمزدهای اسمی نیز افزایش می‌یابد.

۱-۳. اقتصاد ایران

در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها همواره محدودیت‌هایی در زمینه تجارت خارجی و انتقال سرمایه وضع نموده‌اند. چنانکه آشکار است در ایران نیز در این زمینه، نظارت‌هایی وجود داشته و انتقال سرمایه همواره تحت نظارت دولت انجام گرفته است.

در بحث‌های نظری، هنگامی که نرخ بهره داخلی کشور افزایش یابد، خروج سرمایه از کشور کاهش می‌یابد، و اگر نرخ بهره داخلی کاهش یابد، سرمایه از کشور خارج می‌شود. در ایران چنین به نظر می‌رسد که حرکت سرمایه کاملاً مستقل از نرخ بهره باشد، زیرا دولت همواره بر انتقال آن نظارت داشته است. بدین روی، در این مقاله، حساب سرمایه برون‌زا

فرض شده و مستقل از نرخ بهره و تابع سیاست‌های دولت می‌باشد. این فرض، شیب منحنی Bp را افزایش خواهد داد. به عبارت دیگر، شیب منحنی Bp بیش از شیب منحنی LM خواهد بود (به نمودار ۱ توجه کنید).

اگر مازاد تراز پرداخت‌ها را به صورت معادله زیر نشان دهیم، با گرفتن دیفرانسیل از دو طرف معادله و فرض $dB=0$ به شیب منحنی BP دست خواهیم یافت:

$$BP = p \cdot x(p, e) - e \cdot p_f \cdot m(y, p, e) - F(r)$$

$$e = \text{نرخ ارز} \qquad \text{BP} = \text{مازاد تراز پرداخت‌ها}$$

$$x(p, e) = \text{صادرات واقعی کالاها و خدمات} \qquad m(y, p, e) = \text{واردات واقعی کالاها و خدمات}$$

$$F(r) = \text{خالص خروج سرمایه} \qquad r = \text{نرخ بهره}$$

$$p = \text{سطح قیمت‌های داخلی} \qquad p_f = \text{سطح قیمت‌های خارجی}$$

$$\left. \frac{dr}{dy} \right|_{dB=0} = \frac{e \cdot p_f \cdot \frac{dm}{dy}}{-\frac{df}{dr}} > 0$$

شیب منحنی Bp عبارت است از:

هر چه حساسیت خالص خروج سرمایه نسبت به نرخ بهره کمتر باشد، مخرج کسر کوچکتر شده و شیب منحنی Bp بیشتر می‌شود.

بانک مرکزی ایران همواره سعی در تثبیت نرخ ارز داشته، اما به دلیل کمبود ذخایر ارزی، نتوانسته است نرخ ثابت و معینی را برای مدت طولانی حفظ کند. در سال ۱۳۴۴، نرخ دلار در ۷۵/۷۵ ریال تثبیت شد و در سالهای بعد نرخ رسمی آن نوسان کمتری داشته و تقریباً ثابت بوده است. در سال ۱۳۷۲، به دلیل تک‌نرخ شدن ارز، نرخ رسمی آن تغییر یافت و به ۱۲۶۷/۷۷ ریال رسید. در سال ۱۳۷۳ به دنبال به‌کارگیری سیاست‌های ارزی، نرخ رسمی ارز در ۱۷۴۸/۷۵ ریال تثبیت گشت. به دلیل نوسان بسیار کمی که در نرخ رسمی ارز مشاهده می‌شود، فرض شده است که در ایران نظام نرخ ثابت ارز حاکم بوده و تحلیل حاضر در این قالب انجام پذیرفته است.

با توجه به بحث‌های فوق، توجه به دو نکته در خصوص اقتصاد ایران ضروری است. نکته اول اینکه در ایران نظام نرخ ثابت ارز حاکم است. دوم اینکه به دلیل مستقل بودن سرمایه از نرخ بهره، شیب منحنی Bp بیش از شیب منحنی LM می‌باشد و به همین دلیل است که در این مقاله بر حساب جاری تراز پرداخت‌ها تأکید شده است.

با توجه به بحث‌های ذکر شده، نمودار ۱، مطابق با وضعیت اقتصاد ایران بوده و تحلیل رابطه کسری بودجه و تراز پرداخت‌ها همان تحلیل ذکر شده در بخش (۱-۲) می‌باشد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در اقتصاد ایران کسری بودجه دولت منجر به کسری تراز پرداخت‌ها می‌گردد.

۲. پیشینه پژوهش‌ها

از جمله پژوهش‌هایی که در خصوص موضوع مورد بحث در ایران و کشورهای دیگر انجام گرفته است، می‌توان به پژوهش‌های گلوریا بارتولی، منصور احسن، حسن محمدی، قارون و پارسا اشاره نمود.

گلوریا بارتولی (۱۹۸۹) با آزمون یک سیستم ساختاری ۵ معادله‌ای نتیجه گرفته است که ارتباط بین پس‌انداز دولت و تراز جاری مثبت است، و بدین روی ارتباط بین مخارج دولت و تراز جاری منفی است و اثر منفی مخارج دولت بر تراز جاری را تأیید می‌کند. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که دو متغیر مالیات تورمی و تشکیل سرمایه دولت بر پس‌انداز خصوصی اثر منفی و بر سرمایه‌گذاری خصوصی اثر مثبت دارد، و در نتیجه، هر دو بر تراز جاری اثر منفی دارند و کسری تراز جاری را تشدید می‌کنند.

منصور احسن (۱۹۹۰) به بررسی اثر کسری بودجه دولت بر کسری حساب جاری در فیلیپین پرداخته و با معرفی یک سیستم معادلات همزمان، فرضیه خویش را آزمون نموده است. وی نیز در پژوهش خود نتیجه می‌گیرد که کسری بودجه بر کسری حساب جاری اثر مثبت و معنی‌داری دارد. این پژوهشگر، در پایان به شبیه‌سازی اثرهای افزایش در مخارج

اسمی دولت به تفکیک نحوه تأمین مالی آن پرداخته و نتیجه می‌گیرد که افزایش کسری بودجه به طور معنی‌داری کسری حساب جاری را تشدید می‌کند.

دکتر حسن محمدی (۱۳۷۳/۸/۲۵) با استفاده از مدل ماندل فلمینگ به بررسی رابطه بین کسری بودجه دولت و کسری تراز جاری در اقتصاد ایران پرداخته است. پژوهشگر در انتها نتیجه می‌گیرد که مازاد بودجه دولت تأثیر مثبت و قوی بر مازاد تجارت خارجی داشته و برای بهبود تجارت کاهش کسری بودجه دولت و افزایش پس‌اندازهای داخلی الزامی است.

قارون (۱۳۷۱) نیز براساس مدل بارتولی، فرضیه خود را در خصوص اقتصاد ایران آزمون نموده است. ایشان پس از برآورد مدل نتیجه می‌گیرد که بین پس‌انداز بخش خصوصی و پس‌انداز بخش دولتی رابطه مثبت برقرار بوده و افزایش مخارج دولتی اثر منفی بر پس‌انداز بخش خصوصی خواهد داشت و از این طریق بر حساب جاری اثر خواهد گذاشت.

پارسا (۱۳۷۴) نیز با ارائه مدلی که از مدل منصور احسن اقتباس شده است به آزمون اثرهای انبساط مالی دولت بر حساب جاری در ایران پرداخته است. وی نتیجه می‌گیرد که کسری بودجه دولت از طریق افزایش تقاضای کل و درآمد حقیقی (و نه نسبت قیمت‌های خارجی به داخلی) اثر مثبت و معنی‌داری بر کسری تراز جاری دارد.

۳. معرفی مدل

به منظور آزمون فرضیه این مقاله، از یک مدل اقتصادسنجی استفاده شده است. مدلی که در اینجا معرفی می‌گردد، از مدل محسن خان^۱ اقتباس شده است. در این مدل از تمام متغیرهای مدل محسن خان استفاده شده و تنها تفاوتی که این مدل با مدل محسن خان دارد، تبدیل یک اتحاد به ۲ معادله رفتاری برای تبیین بهتر موضوع می‌باشد.

1. Khan, Mohsin.S, (1977). "The Determination of the Balance of Payments and Income in Developing Countries", in I. M. F. (1977). "The Monetary Approach to the Balance of Payments". Washington, D.C, 1977, pp: 243-274.

معادله واردات

واردات تابعی از مخارج کل اسمی و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است. هنگامی که مخارج کل کشور در مورد کالاها و خدمات افزایش یابد، تقاضا برای واردات آن کشور نیز افزایش می‌یابد. در کشورهای در حال توسعه، محدودیت‌ها و کنترل‌هایی در زمینه واردات وجود دارد که نباید نادیده بگیریم. به همین دلیل، برای نشان دادن این محدودیت‌ها، از پاراکسی خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی سود جسته‌ایم. با افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، توان دولت برای واردات افزایش می‌یابد و کنترل‌ها و محدودیت‌ها در زمینه واردات کاهش خواهد یافت. بدین روی، واردات با خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، رابطه مثبت خواهد داشت. از آنجا که فرض می‌شود کشورهای مورد مطالعه کوچک هستند و نرخهای ارز آنها ثابت است، قیمت‌های نسبی در تابع واردات در نظر گرفته نشده است. معادله واردات، عبارت‌است از:

$$IM_t^d = a_0 + a_1 NFA_t + a_2 AE_t + U_t \quad a_1, a_2 > 0$$

$$IM_t^d = \text{تقاضای مطلوب اسمی برای واردات} = AE_t = \text{مخارج اسمی کل}$$

$$U_t = \text{جزء تصادفی} = \text{کالاها و خدمات}$$

$$NFA_t = \text{خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی}$$

از آنجا که تقاضای مطلوب واردات به طور مستقیم قابل محاسبه نیست، از روش تعدیل جزئی استفاده نموده و معادله تقاضای کوتاه‌مدت واردات محاسبه گردیده است.

$$IM_t = \alpha a_0 + \alpha a_1 NFA_t + \alpha a_2 AE_t + (1 - \alpha) IM_{t-1} + \alpha U_t \quad (1)$$

$$IM_t = \text{واردات اسمی کالاها و خدمات} = \alpha = \text{ضریب تعدیل و } 0 < \alpha < 1 \text{ می‌باشد.}$$

معادله صادرات

محسن خان، صادرات را تابعی از درآمد دائمی می‌داند، ولی در کشورهای صادرکننده نفت، صادرات تابعی از درآمد دائمی یا تولید ناخالص داخلی نیست. بدین دلیل، در این مقاله صادرات به دو بخش صادرات غیرنفتی و صادرات نفتی تقسیم شده است. فرض می‌شود که

صادرات نفتی به عواملی چون تقاضای بین‌المللی نفت، تورم جهانی و سهم کشور در مورد خاورمیانه و اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بستگی داشته باشد. بنابراین، صادرات نفت بستگی به عواملی دارد که مستقل از اقتصاد ایران هستند. بدین روی، صادرات نفتی برون‌زا فرض شده و صادرات غیرنفتی تابعی از تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. در کشورهای در حال توسعه، صادرات غیرنفتی از طریق محدودیت ظرفیت سرمایه موجود برای صنایع بالقوه صادراتی محدود می‌شود. در این مقاله، از متغیر تولید ناخالص داخلی به‌عنوان یک متغیر جایگزین، به منظور نشان دادن این ظرفیتها، استفاده شده است. معادله صادرات غیرنفتی، عبارت است از:

$$XNK_t^* = b_0 + b_1 GDP_t + V_t \quad b_1 > 0$$

XNK_t^* = سطح مطلوب صادرات غیر نفتی به قیمت اسمی

GDP_t = تولید ناخالص داخلی (برحسب قیمت جاری)

V_t = جزء تصادفی

با به‌کارگیری روش تعدیل جزئی و فرض این که سطح مطلوب صادرات غیرنفتی نسبت به صادرات غیرنفتی دوره قبل تعدیل خواهد شد، معادله نهایی صادرات غیرنفتی به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

$$XNK_t = \beta b_0 + \beta b_1 GDP_t + (1 - \beta) XNK_{t-1} + \beta V_t \quad (2)$$

XNK_t = صادرات غیرنفتی به قیمت اسمی β = ضریب تعدیل و $0 < \beta < 1$ می‌باشد.

صادرات کل نیز از مجموع صادرات نفتی و غیرنفتی حاصل می‌شود:

$$X_t = XO_t + XNK_t$$

XO_t = صادرات نفتی به قیمت اسمی X_t = صادرات کل به قیمت اسمی

معادله مخارج کل

در این مقاله نیز همانند مدل محسن‌خان، مخارج کل تابعی از تولید ناخالص داخلی و حجم نقدینگی فرض شده است. هر چه تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، مخارج کل شامل

هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری افزایش خواهد یافت و هر چه حجم نقدینگی در سطح جامعه افزایش یابد، تقاضای مردم برای خرید کالا و خدمات افزایش می‌یابد، بنابراین، مخارج کل افزایش خواهد یافت. معادله مخارج کل، عبارت است از:

$$AE_t^d = c_0 + c_1 MO_t + c_2 GDP_t + W_t \quad c_1, c_2 > 0$$

$$AE_t^d = \text{سطح مطلوب مخارج کل به قیمت اسمی} = MO_t = \text{حجم نقدینگی}$$

$$W_t = \text{جزء تصادفی}$$

مخارج کل نیز نسبت به مخارج کل دوره قبل تعدیل خواهد شد. بنابراین با به کارگیری روش تعدیل جزئی، معادله زیر حاصل می‌گردد:

$$AE_t = \lambda c_0 + \lambda c_1 MO_t + \lambda c_2 GDP_t + (\lambda - \lambda) AE_{t-1} + \lambda W_t \quad (3)$$

$$AE_t = \text{مخارج کل به قیمت اسمی} = \lambda = \text{ضریب تعدیل و } 0 < \lambda < 1 \text{ می‌باشد.}$$

معادله پایه پولی

عوامل متعددی، از جمله کسری بودجه دولت و ذخایر ارزی، پایه پولی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این مقاله، پایه پولی تابعی از کسری بودجه دولت و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی فرض شده است. با افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی پایه پولی افزایش یافته و افزایش کسری بودجه نیز پایه پولی را افزایش خواهد داد. معادله پایه پولی عبارت است از:

$$RM_t^* = d_0 + d_1 NFA_t + d_2 DEF_t + E_t \quad d_1, d_2 > 0$$

$$RM_t^* = \text{سطح مطلوب پایه پولی} = DEF_t = \text{کسری بودجه دولت}$$

$$E_t = \text{جزء تصادفی}$$

با به کارگیری روش تعدیل جزئی معادله نهایی پایه پولی، عبارت است از:

$$RM_t = \rho d_0 + \rho d_1 NFA_t + \rho d_2 DEF_t + (\rho - \rho) RM_{t-1} + \rho E_t \quad (4)$$

$$RM_t = \text{پایه پولی} = \rho = \text{ضریب تعدیل و } 0 < \rho < 1 \text{ می‌باشد.}$$

معادله عرضه پول

عرضه پول، تابعی از پایه پولی است. بنابراین عرضه پول، تابعی از موجودی پول در دوره $t, t-1, \dots$ می‌باشد، یعنی:

$$MO_t = e_0 + e_1 (RM_t + kRM_{t-1} + K^2 RM_{t-2} + \dots) + Z_t$$

MO_t = حجم پول RM_{t-i} = پایه پولی در دوره $t-i$

Z_t = جزء تصادفی k = نرخ تنزیل یا نرخ کاهش وقفه توزیعی و $0 < k < 1$ می‌باشد.

با استفاده از روش کویک در رابطه با مدلهای با وقفه توزیعی خواهیم داشت:

$$MO_t = (1 - k) e_0 + e_1 RM_t + kMO_{t-1} + H_t \quad (5)$$

H_t = جزء تصادفی و $H_t = Z_t + kZ_{t-1}$ ، یعنی جزء اختلال میانگین متحرک درجه یک است.

تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی، عبارت است از:

$$GDP_t = AE_t + XNK_t + XO_t - IM_t \quad (6)$$

GDP_t = تولید ناخالص داخلی (برحسب قیمت جاری) XO_t = صادرات نفتی به قیمت اسمی

IM_t = واردات کل به قیمت اسمی AE_t = مخارج کل به قیمت اسمی

XNK_t = صادرات غیرنفتی به قیمت اسمی

حساب جاری

اتحاد حساب جاری، عبارت است از:

$$CA_t = XNK_t + XO_t - IM_t \quad (7)$$

CA_t = حساب جاری

با توجه به مطالب فوق، در این مقاله، مدل زیر برای اقتصاد ایران آزمون گردیده است:

$$IM_t = \alpha a_0 + \alpha a_1 NFA_t + \alpha a_2 AE_t + (\lambda - \alpha) IM_{t-1} + \alpha U_t \quad (1)$$

$$XNK_t = \beta b_0 + \beta b_1 GDP_t + (\lambda - \beta) XNK_{t-1} + \beta V_t \quad (2)$$

$$AE_t = \lambda c_0 + \lambda c_1 MO_t + \lambda c_2 GDP_t + (\lambda - \lambda) AE_{t-1} + \lambda W_t \quad (3)$$

$$RM_t = \rho d_0 + \rho d_1 NFA_t + \rho d_2 DEF_t + (\lambda - \rho) RM_{t-1} + \rho E_t \quad (4)$$

$$MO_t = (\lambda - k) e_0 + e_1 RM_t + k MO_{t-1} + H_t \quad (5)$$

$$GDP_t = AE_t + XNK_t + XO_t - IM_t \quad (6)$$

$$CA_t = XNK_t + XO_t - IM_t \quad (7)$$

عملکرد مدل: کسری بودجه دولت اگر از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی گردد، براساس معادله (۴) پایه پولی افزایش و براساس معادله (۵) حجم پول نیز افزایش می‌یابد. بالا رفتن حجم پول براساس معادله (۳) مخارج کل را افزایش می‌دهد. افزایش مخارج کل دو اثر دارد. اول اینکه براساس اتحاد (۶) تولید ناخالص داخلی را افزایش می‌دهد. دوم اینکه براساس معادله (۱) واردات را افزایش می‌دهد. با توجه به اتحاد (۶) واردات و مخارج کل هر دو افزایش یافته است اگر فرض شود که میزان افزایش در مخارج کل بیشتر از افزایش در واردات باشد، تولید ناخالص داخلی افزایش خواهد یافت. افزایش تولید ناخالص داخلی براساس معادله (۲) صادرات غیرنفتی را افزایش خواهد داد. افزایش واردات براساس اتحاد (۷) موجب بدتر شدن حساب جاری و افزایش صادرات موجب بهبود آن خواهد شد. تأثیر نهایی روی حساب جاری بستگی به میزان افزایش واردات و صادرات خواهد داشت. اگر صادرات بیش از واردات افزایش یابد، حساب جاری بهبود می‌یابد و در صورتی که واردات بیش از صادرات افزایش یابد، حساب جاری بدتر می‌شود.

۴. شناسایی مدل

مدل مذکور با استفاده از روش شرط رتبه‌ای شناسایی شده و تمام معادلات مدل قابل شناسایی و بیش از حد مشخص بودند.

۵. تخمین مدل

معادلات مدل از روش 2SLS و داده‌های آماری سالهای ۱۳۴۲-۱۳۷۳ تخمین زده شده است. معادلات تخمینی به شرح زیر می‌باشند^۱:

$$IM_t = -362 + 1/16NFA_t + 0/05AE_t + 0/39IM_{t-1} + 3065D68 \quad (1)$$

$(-1/3) \quad (2/1) \quad (1/1) \quad (1/5) \quad (2/8)$

$$R^2 = 0/96 \quad D.W = 1/9 \quad S.E = 1078$$

$$XNK_t = -55 + 0/013GDP_t + 0/91XNK_{t-1} + 609D68 \quad (2)$$

$(-0/8) \quad (1/58) \quad (6) \quad (3/1)$

$$R^2 = 0/98 \quad D.W = 3 \quad S.E = 238$$

$$AE_t = 349 + 0/85GDP_t + 0/054MO_t + 0/08AE_{t-1} - 361D53 \quad (3)$$

$(1/1) \quad (8/78) \quad (0/46) \quad (0/5) \quad (0/8)$

$$R^2 = 0/99 \quad D.W = 2/10 \quad S.E = 884$$

۱. D68 متغیر مجازی دوران بازسازی بعد از جنگ است و برای سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ یک و برای بقیه سالها صفر است و D53 متغیر مجازی برای شوک نفتی سال ۱۳۵۳ است که برای سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ یک و برای بقیه سالها صفر است.

$$MO_t = -145 + 2/21 RM_t \quad (4)$$

(-0/1) (14)

$$R^2 = 0/99 \quad D.W = 2/1 \quad S.E = 922$$

$$RM_t = -244 + 0/75 NFA_t + 0/4 DEF_t + 1/04 RM_{t-1} \quad (5)$$

(-2/5) (7/6) (2/5) (37)

$$R^2 = 0/99 \quad D.W = 1/33 \quad S.E = 350$$

در معادله (۳) به جز ضریب GDP بقیه ضرایب معنی‌دار نمی‌باشند که علت آن هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی است. بالا بودن R^2 و پایین بودن آماره‌های t نیز وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی را تأیید می‌کند. برای نمونه، ضریب همبستگی بین دو متغیر توضیحی GDP و MO، ۰/۹۹ می‌باشد که حاکی از هم‌خطی بین دو متغیر مزبور است. با آگاهی از وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی معادله مخارج کل، این معادله با همین متغیرها در سیستم معادلات قرار خواهد گرفت، زیرا هم‌خطی موجب تغییر علامت متغیرها نشده است.

معادله شماره (۴) نیز تغییر یافته است، زیرا وجود متغیر تأخیری حجم پول به‌عنوان متغیر توضیحی، به دلیل هم‌خطی شدید بین این متغیر و RM، علامت ضریب RM را تغییر داده و مخالف نظریه می‌نمود. بدین روی، متغیر تأخیری حجم پول از مدل حذف شده است.

۶. شبیه‌سازی تاریخی مدل

به منظور شبیه‌سازی مدل، آن را برای داده‌های آماری ۱۳۴۲-۱۳۷۳ حل نموده و مقادیر تخمینی به دست آمده از مدل به همراه مقادیر واقعی حساب جاری رسم گردیده است.

نمودار ۲، شبیه‌سازی حساب جاری را نمایش می‌دهد. همان گونه که مشخص است، مقادیر تخمینی حساب جاری (PCA) نقاط عطف مقادیر واقعی آن را (CA) در بلندمدت توضیح می‌دهد. به عبارت دیگر، مدل ارائه شده، می‌تواند رفتار بلندمدت حساب جاری را توضیح دهد.



نمودار ۲. شبیه‌سازی حساب جاری

۶-۱. آزمون حساسیت اول

به منظور بررسی حساسیت مدل به سال مبدأ و تعداد مشاهدات، سال مبدأ از ۱۳۴۲ به ۱۳۴۷ و سپس به ۱۳۵۲ تغییر یافته و سپس مدل حل شده است. نمودار ۳، شبیه‌سازی حساب جاری را پس از تغییر سال مبدأ نمایش می‌دهد. PCA، شبیه‌سازی با سال مبدأ ۱۳۴۲، S1CA شبیه‌سازی با سال مبدأ ۱۳۴۷ و S2CA شبیه‌سازی با سال مبدأ ۱۳۵۲ را نشان می‌دهد. همان گونه که از نمودار مشخص است، تغییر سال مبدأ به شبیه‌سازی مدل خللی

وارد نمی‌کند که خود مؤید توانایی مدل برای توضیح رفتار متغیرهاست.

نمودار ۳. شبیه‌سازی حساب جاری با تغییر سال مبدأ

۶-۲. آزمون حساسیت دوم

در این آزمون، ضریبهای هر متغیر به اندازه یک چهارم خطای استاندارد همان ضریب افزایش یافته و سپس مدل حل شده است. این آزمون، حساسیت مدل را نسبت به تغییرات ساختاری اقتصاد نشان می‌دهد. نمودار ۴، شبیه‌سازی حساب جاری را در این حالت نشان می‌دهد. PCA شبیه‌سازی حساب جاری و KCA شبیه‌سازی حساب جاری پس از تغییر ضریبهاست. انحرافات کوتاه‌مدت مقادیر شبیه‌سازی شده از مقادیر واقعی در سالهای آخر مورد بررسی بیشتر از شبیه‌سازی نمودار ۲ می‌باشد. لیکن شبیه‌سازی اخیر نیز تا حدود زیادی نقاط عطف مقادیر واقعی را توضیح داده است. به بیان دیگر، می‌توان گفت که مدل مذکور در بلندمدت قابلیت توضیح واقعیت‌ها را دارد، اما هنگامی که ساختار اقتصادی کشور تغییر یابد، از قابلیت و توانایی مدل کاسته می‌شود.

نمودار ۴. شبیه‌سازی حساب جاری هنگامی که ضریبهای مدل تغییر نموده است

۷. ارزیابی سیاستی مدل

هدف این مقاله، بررسی رابطه کسری بودجه دولت و حساب جاری بود. با توجه به ضریبهای تخمینی مدل و شبیه‌سازی آن می‌توان گفت که کسری بودجه از طریق پایه پولی روی متغیرهای دیگر تأثیر گذاشته، و در نهایت، بر حساب جاری اثر خواهد گذاشت. در این بخش، تأثیر تغییر میزان کسری بودجه دولت بر حساب جاری بررسی شده است.

۷-۱. سناریوی اول

در این سناریو، کسری بودجه دولت را کاهش داده و فرض شده تا دولت مازاد بودجه نیز داشته باشد. از این طریق، تأثیر کاهش کسری بودجه، و به عبارتی، افزایش مازاد آن روی حساب جاری بررسی خواهد شد.


۷-۲. سناریوی دوم

در این سناریو، کسری بودجه دولت به بیش از دو برابر افزایش یافته و اثر آن بر حساب جاری مورد بررسی قرار گرفته است. نمودار ۵، شبیه‌سازی حساب جاری را با فرض دو سناریوی فوق نمایش می‌دهد. در این نمودار، PCA شبیه‌سازی اولیه حساب جاری است، V2CA شبیه‌سازی حساب جاری است هنگامی که کسری بودجه کاهش یافته یا دولت مازاد بودجه داشته باشد و VICA شبیه‌سازی حساب جاری است هنگامی که کسری بودجه دولت بیش از دو برابر گردد. همان‌گونه که مشخص است، با افزایش کسری بودجه، نمودار شبیه‌سازی شده حساب جاری به پایین منتقل می‌شود و نشان می‌دهد که با افزایش کسری بودجه، حساب جاری در بیشتر سالها، به ویژه سالهای آخر دوره مورد بررسی، بدتر می‌شود. همچنین کاهش کسری بودجه دولت، نمودار شبیه‌سازی شده حساب جاری را به بالا منتقل نموده و حاکی از آن است که کاهش کسری بودجه حساب جاری را بهبود می‌بخشد.



نمودار ۵. شبیه‌سازی حساب جاری هنگامی که میزان کسری بودجه تغییر می‌یابد

نمودار ۶، شبیه سازی حساب جاری برای ۱۱ سال پایانی دوره (۱۳۶۳-۱۳۷۳) هنگامی که دو سناریوی فوق برقرار باشند را نشان می‌دهد. نتایج فوق در این نمودار به صورت آشکارتری نمایان است.



نمودار ۶. شبیه‌سازی حساب جاری با تغییر میزان کسری بودجه برای ۱۱ سال پایانی دوره

۸. خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف ما در این مقاله، بررسی رابطه کسری بودجه دولت و حساب جاری بود. براساس نظریه، هنگامی که کسری بودجه دولت با استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی می‌گردد، عرضه پول افزایش یافته و مردم برای خرج پولهای اضافی خود تقاضای بیشتری خواهند نمود. افزایش تقاضا، منجر به افزایش قیمت‌ها می‌شود که از یک سوی، مقدار تقاضا را کاهش می‌دهد، و از

سوی دیگر، تولیدکنندگان را تحریک به افزایش تولید می‌نماید. افزایش تقاضا و قیمت‌های داخلی، واردات را افزایش می‌دهد و به دلیل فعال شدن بخش تولیدی کشور انتظار می‌رود که بخش صادراتی نیز فعال‌تر گردد.

در اقتصاد ایران به دلیل وجود تنگناهای اقتصادی موجود در بخش صنعت، بخش صادراتی قادر نیست محصولاتش را به حد کافی افزایش داده، و در نتیجه، صادرات غیرنفتی را افزایش دهد. از سوی دیگر، به دلایل متعددی، تقاضا برای صادرات غیرنفتی ایران در بازارهای جهانی کم می‌باشد، در نتیجه، صادرات غیر نفتی به قدر کافی افزایش نخواهد یافت و به دلیل افزایش قیمت‌های داخلی، انتظار می‌رود که صادرات غیرنفتی کاهش هم بیابد. افزایش واردات و کاهش صادرات، خالص صادرات را کاهش داده و حساب جاری را با کسری مواجه می‌کند. نتیجه اینکه کسری بودجه‌ای که از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شود، کسری حساب جاری را در پی خواهد داشت.

برای آزمون فرضیه این مقاله، یک سیستم معادلات همزمان با روش 2SLS و داده‌های آماری ۱۳۴۲-۱۳۷۳ برآورد شده و شبیه‌سازی گردید. شبیه‌سازی بیانگر آن بود که مدل مذکور توانایی توضیح واقعیت‌ها را در بلندمدت دارد. به منظور ارزیابی مدل، دو آزمون حساسیت انجام پذیرفت که در آزمون اول، عدم حساسیت مدل به تغییر سال مبدأ به اثبات رسید، و در آزمون دوم، نتیجه گرفته شد که با تغییرات ساختاری در اقتصاد از قابلیت مدل در توضیح واقعیت‌ها کاسته می‌شود.

در انتهای بحث نیز مدل ارزیابی سیاستی گردید و نتیجه گرفته شد که با افزایش کسری بودجه دولت حساب جاری بدتر می‌شود و با کاهش آن حساب جاری بهبود می‌یابد. خلاصه نتایج حاصل از مدل به شرح زیر است:

۱. همان گونه که در نظریه انتظار می‌رفت کسری بودجه دولت در ایران رابطه معنی‌داری با پایه پولی دارد. در معادله پایه پولی ضریب کسری بودجه دولت $+0/4$ بوده و از نظر آماری

نیز معنی دار است. علامت آن نیز موافق نظریه است. بنابراین، افزایش کسری بودجه دولت پایه پولی را افزایش داده، و به دنبال آن، عرضه پول نیز افزایش خواهد یافت.

۲. معادله مخارج کل در مدل از اهمیت فراوانی برخوردار است. انتظار می‌رفت که حجم نقدینگی و مخارج کل با یکدیگر ارتباط مثبت داشته باشند. براساس معادله مخارج کل، رابطه بین دو متغیر مزبور مثبت است. ضریب MO 0.054 بوده و از نظر آماری نیز بی‌معنی می‌باشد که علت آن هم‌خطی بین دو متغیر MO و GDP ذکر گردید. کوچک بودن ضریب MO از تأثیر کسری بودجه بر حساب جاری خواهد کاست و یکی از دلایلی که حساب جاری نسبت به تغییرات بزرگ در کسری بودجه حساسیت کمتری نشان می‌دهد، پایین بودن ضریب MO در معادله مخارج کل می‌باشد.

۳. در معادله صادرات غیرنفتی ضریب GDP 0.13 بود. بنابراین، می‌توان اظهار داشت که صادرات غیرنفتی در ایران وابستگی بسیار کمی به سطح تولید ناخالص داخلی دارد. به عبارت دیگر، با افزایش درآمدهای دولتی و بالا رفتن مخارج دولتی، بخش تولیدی از جمله بخش صادراتی توان جذب بسیار پایینی را از خود نشان می‌دهد.

۴. براساس ارزیابی سیاستی مدل نتیجه گرفته شد، هنگامی که کسری بودجه دولت افزایش یابد، حساب جاری بدتر می‌شود و هنگامی که کاهش یابد، حساب جاری بهبود می‌یابد. بنابراین، به‌عنوان نتیجه نهایی، می‌توان فرضیه مقاله را مورد تأیید قرار داد. بدین ترتیب، در اقتصاد ایران، رابطه مثبت و معنی‌داری بین کسری بودجه دولت و حساب جاری وجود دارد.

پیشنهادها

با توجه به اینکه تأیید گردید که در صورت استقراض دولت از بانک مرکزی پایه پولی و حجم پول افزایش می‌یابد، و در نهایت، اثر منفی بر حساب جاری خواهد گذاشت، توصیه می‌گردد تا

دولت از روش دیگری بودجه‌اش را تأمین مالی نماید. اگر کسری بودجه دولت با فروش اوراق قرضه به مردم تأمین مالی شود، پایه پولی تغییر نمی‌کند و عرضه پول ثابت می‌ماند. بدین روی، سازوکاری که در این مقاله بر آن تأکید شد، عمل نخواهد نمود و کسری بودجه بر حساب جاری تأثیری نخواهد گذاشت. همچنین اگر دولت با افزایش درآمدهای مالیاتی کسری بودجه‌اش را تأمین کند، مخارج مصرفی و مخارج کل را کاهش داده و عکس سازوکار ارائه شده در این مقاله عمل خواهد نمود بدین معنا که واردات را کاهش و حساب جاری را بهبود خواهد بخشید. بنابراین، اصلاح نحوه تأمین مالی کسری بودجه دولت، نه تنها بخش داخلی، بلکه بخش خارجی اقتصاد را نیز بهبود می‌بخشد.

براساس مدل برآورد شده در این مقاله، صادرات غیر نفتی در ایران از تولید ناخالص داخلی تأثیر کمی می‌پذیرد. بنابراین، ضروری است به منظور جلوگیری از اثر منفی استقراض‌های مستمر دولت بر حساب جاری، سیاست‌های تشویقی صادرات اعمال گردد تا اثر افزایش واردات که خود ناشی از افزایش مخارج کل در اثر افزایش حجم پول می‌باشد را خنثی نماید. در این زمینه، بر ثبات سیاست‌های دولت تأکید می‌گردد. زیرا اعمال سیاست‌هایی که پیش‌بینی می‌شود در مدت کوتاهی تغییر یابند، نه تنها مفید نمی‌باشند، بلکه به دلیل ایجاد فضای عدم اطمینان، زیانبار نیز خواهند بود.

به دلیل برون‌زا فرض نمودن حساب سرمایه، تحلیل این مقاله بر حساب جاری تراز پرداخت‌ها متمرکز گردید. بدیهی است که استمرار استقراض دولت از بانک مرکزی هم‌چنان حساب جاری، و به دنبال آن، تراز پرداخت‌های کل کشور را بدتر می‌نماید. در این حالت، به کارگیری سیاست‌های تشویقی برای جلوگیری از خروج سرمایه و تشویق ورود سرمایه‌های خارجی، به ویژه سرمایه‌هایی که از کشور خارج شده، در تعدیل اثر استقراض بر تراز پرداخت‌ها مؤثر خواهد بود. ورود و خروج سرمایه در ایران، تابع نرخ بهره نبوده، بلکه از سیاست‌های دولت تبعیت می‌کند. بنابراین، وضع مقررات صحیح و به ویژه تثبیت قوانین و ایجاد فضای مناسب و امنیت اقتصادی و سیاسی برای سرمایه‌گذاران ممکن است در کاهش اثر منفی کسری‌های ممتد بودجه دولت بر تراز پرداخت‌ها مؤثر باشد.

جدول ۱. مقادیر متغیرهای به کار رفته در مدل^۱

(ارقام به میلیارد ریال است)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تمام اطلاعات از مجموعه اطلاعاتی سازمان برنامه و بودجه و ترازنامه‌های بانک مرکزی اخذ شده است.

ادامه جدول ۱



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

- ادواردز، سباستیان. (۱۳۷۳). مشکل تنظیم نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه. ترجمه دکتر اسدالله فرزین‌وش. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- برانسون، ویلیام اچ. (۱۳۷۰). *تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان*. ترجمه عباس شاکری. نشرنی.
- پارسا، امیدعلی. (۱۳۷۴). *اثر انبساط مالی دولت بر تراز جاری در ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- پورمقیم، جواد. (۱۳۷۳). *اقتصاد بخش عمومی*. نشرنی.
- درخشان، مسعود. (۱۳۷۴). *اقتصادسنجی*. انتشارات سمت.
- رائو ومیلر. (۱۳۷۱). *اقتصادسنجی کاربردی*. ترجمه دکتر حمید ابریشمی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- فرزانه پور، غلامرضا. (۱۳۵۱). *سیر تحول مقررات ارزی در ایران و تراز پرداختهای آن*. انتشارات خواجه.
- فرزین‌وش، اسدالله. *پول و بانک*. جزوه درسی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).
- . *مالیه بین‌الملل*. جزوه درسی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع).
- قارون، معصومه. (۱۳۷۱). *بررسی اثرات سیاست مالی بر حساب جاری تراز پرداختها*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی.
- گجراتی، دامودار. (۱۳۷۲). *مبانی اقتصادسنجی*. ترجمه دکتر ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی، حسن. (۱۳۷۳/۸/۲۵). *سیاستهای مالی و تراز تجاری (بررسی تجربه اقتصاد ایران)*. مقاله ارائه شده در کنفرانس ماهانه مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۷۳). *مجموعه اطلاعاتی (سری زمانی آمار حسابهای ملی، پولی، مالی)*.

معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی. (۱۳۷۳). کاهش ارزش پول و تراز پرداخت‌های خارجی در ایران.

ب) انگلیسی

- Ahsan, Mansur H. (1990). Effect of Budget Deficit on the Current Account: The Case of the Philipines. in *Fiscal Policy in Open Developing Economics*. I.M.F, Washington D.C.
- Argy, Victor. (1994). *International Macroeconomics Theory and Policy (First Edition)*. London and NewYork.
- Auerbach, Robert D. (1989). *Money, Banking and Financial Market (Third Edition)*. MacMillan.
- Barth, Richard C. and Wong Chorng-Huey. (1994). *Approaches to Exchange Rate Policy (First Edition)*. I.M.F Institue, Washington D.C.
- Bartaoli, Gloria. (1989). *Fiscal Expansion and External Current Account Balance*. I.M.F. Workingpaper.
- Bo, Sodersten and Geoffrey, Reed. (1994). *International Economics (Third Edition)*. MacMillan.
- Dornbusch, Rudiger and Fischer, Stanley. (1990). *Macroeconomics (Fifth Edition)*. McGraw-Hill International Edition.
- Ethier, Wilfred J. (1988). *Modern International Economics (Second Edition)*. W.W. Norton and Company Inc.
- Frankel, Jeffrey A. ; Caves, Richard E. and Johnes, Ronald W. (1990). *World Trade and Payments, an Introduction (Fifth Edition)*. U.S.A Harpen Collins Publishers.

- Hall, Robert E. and Taylor, John B. (1991). *Macroeconomics (Third Edition)*. W.W Norton and Company.
- I.M.F. (1995). *International Financial Statics Yearbook-1995*.
- I.M.F. (1977). *The Monetary Approach to the Balance of Payments*. Washington D.C.
- Kenen, Peter B. (1989). *The International Economy (Second Edition)*. Prentice-Hall International Edition.
- Khan, Mohsin S. (1974). *Experiments with a Monetary Model for the Venezuelan Economy*. Staff Paper, I.M.F, Vol. xxi-No. 2.
- Laurean, Rutayisire W. (1987). Measurement of Government Budget Deficit and Fiscal Stance in a Less Developed Economy: The Case of Tanzania. 1966-84. *World Development*. Vol. 15, No. 10/11 pp:1331-1351.
- Lee and Enders. (1990). Current Account and Budget Deficits: Twins or Distant Cousins? *The Review of Economic and Statistics*. Vol. lxx, No. 3, pp:373-381.
- Scheetz, Thomas. (1987). Public Sector Expenditures and Financial Crisis in Chile. *World Development*. Vol. 15, No. 8, pp:1053-1057.
- Zeitz and Pemberton. (1990). The U.S Budget and Trade Deficita: A Simultaneous Equation Model. *Southern Economic Journal*. Vol. 57, pp:23-34.